

بنده نام فیلم را «افسانه حسن صباح» گذاشته‌ام. شاید این فیلم با تاریخ ۲۰ درصد انطباق داشته باشد و ۸۰ درصد آن بروز ذهنیت‌ها و تاریخ‌سازی است. آنچه ما از تاریخ می‌دانیم این است که هیچ کجا ذکر نشده است که حسن صباح ذهن خوانی می‌کرده است و می‌توانست از طریق چشم آدم‌ها را منحرف کند



واقع سربال بار دیگر بر لبه دوراهی تند اسلام سکولار و اسلام سیاسی ایستاده و زاویه دوربین خود را به سمت ایران تنظیم کرده است.

در سربال «حشاشین» محصول سال ۲۰۲۴ کشور مصر، خیال‌پردازی فیلمساز چنان در اوج بوده که ما را با تاریخی جدید مواجه کرده است!مهم‌ترین مواجهه شما با این سربال آن بخشی خواهد بود که حسن صباح را نماینده بخش فقیر و عقب‌مانده جامعه خواهید یافت: فردی که که علیه آن بخش پیشرو، اخلاقی و متنوع حاکم شوریده است. این سربال ۳ شخصیت را وارد داستان بردازی خود کرده است: نخست «حسن صباح» بنیان‌گذار دولت اسماعیلیه در ایران و نیز بانی دعوت مستقل اسماعیلیه نزاری، سپس زاویه دوربین بر «خواجه نظام‌الملک طوسی» تنظیم می‌شود که وزیر نامدار دوره سلجوقی است و بعد شاهد حضور «عمر خیام» از بزرگ‌ترین و مشهورترین شعرای تاریخ ایران بعد از اسلام هستیم. این سه شخصیت که هیچ‌کدام مصری نیستند، در واقع نماینده تفکرهای مختلف جامعه امروز هستند. نخستین فرد نماینده تفکری است که اسلام سیاسی را رهبری می‌کند، دومی نماینده اسلام سکولار است و نماینده سوم، فردی است که نسبت به اطراف خود بی‌تفاوت نیست اما نمی‌خواهد خود را درگیر امر سیاست کند و لذا ادامه فعالیت به دور از نهی عوام را برمی‌گزیند. هرچند آرای اسماعیلیان الان موضوع ما نیست اما به نظر می‌رسد مادامی که ما با واقعیت تاریخ مواجهه می‌کنیم، نمی‌توانیم بخوبی نسبت این سربال را با وضعیت امروز جهان درک و فهم کنیم. به همین منظور حجت‌الاسلام مهدی فرماتیان، پژوهشگر حوزه ادیان و مذاهب در گفت‌وگو با «وطن امروز» به نقد و بررسی سربال «حشاشین» پرداخته است.

این روزها بحث درباره سربال «حشاشین» داغ است. شاید یکی از سوالاتی که در بین بینندگان این سربال پیش آمده، این باشد که چرا مصر در این زمان سراغ ساخت چنین اثری رفته است؟ نخست باید برای مخاطبان این سربال شفاف شود که موضوع «حسن صباح» تقریبا ربطی به تاریخ مصر ندارد. حسن صباح حضور اندکی در مصر داشته است و اصلا مورد توجه مردم مصر نبوده و در تاریخ مصر هیچ تاثیری نداشته است. وقتی فردی ارتباطی با مصر نداشته و نه گذشته مصر است، نه تاریخ مصر است و نه بزرگ مصر است، چه می‌شود که یک گروه مصری می‌آید و سربالی درباره او می‌سازد؟ این نشان‌دهنده این است که تولیدکنندگان این اثر حتما یک نظر خاصی در این باره داشته‌اند.

حال سوالی در اینجا مطرح می‌شود که چرا سراغ «حسن صباح» رفت‌اند؟ آیا گروه مصری قصد نداشته است که با «حسن البنا» این‌همانی‌سازی کند؟ چرا که نام حسن صباح با حسن البنا یک ریم است و نام هر دو حسن است. گویا یک نوع معادل‌سازی برای کوپیدن تفکر «آخوان المسلمین» در مصر انجام شده است. می‌دانیم که آخوان‌المسلمین در مصر ظهور کرد و حسن البنا تاسیس‌کننده آن بود و در طول این مدت (یعنی ۱۰۰ سالگی که این گروه در مصر حضور داشته و دارد) چندین ترور در مصر رخ داده که همه این ترورها به نام آخوان‌المسلمین تمام شده است. ترور انورسادات، رئیس‌جمهور مصر که به نام آخوان‌المسلمین تمام شد، ترور نافرمام جمال عبدالناصر دومین رئیس‌جمهور مصر که به اسم آخوانی‌ها تمام شد، ترور فرج فوده یکی از چهره‌های مدافع سکولاریسم در مصر که آن هم به اسم آخوانی‌ها تمام شد. حالا اینکه چه کسانی کشته‌اند و چه فضایی در جریان بود، خارج از این بحث است اما به نظر می‌رسد شخصیت این فیلم با هدف‌گذاری بسیار دقیقی انتخاب شده است که حسن البنا را بزند و بگوید حسن البنا و تشکیلاتی که وی به نام آخوان‌المسلمین درست کرده است، مانند حسن الصباح یک تشکیلات تروریستی است؛ تشکیلاتی که مغزها را شست‌وشو می‌دهد برای اینکه آدم بکشند و این افراد تروریست هستند.

■ **انتخاب نام سربال با همین فضا همراه است؟**

بله! نام سربال را «حشاشین» گذاشته‌اند، چرا که این نام پیش‌تر در غرب با نام «اساسینز» وارد و تبدیل به یک ادبیات شده است. این نام در واقع نشان‌دهنده تروریستی است که پول می‌گیرد تا آدم بکشد. این نشان می‌دهد این نام بسیار هدفمند است. از سوی دیگر با طرح ادعای «۳ بار دبستانی» می‌خواهد پایبندی سلجوقیانی که مذهب شافعی دارند به عهد و قول را نشان دهد. می‌دانیم که اغلب مصری‌ها شافعی هستند و تفکر سلجوقیان را دنبال می‌کنند. دانشگاه الازهر مصر نیز به همین تفکر یعنی مکتب اشعری پیرو فقه شافعی اهمیت می‌دهد. پس به صورت غیرمستقیم زدن اسلام سیاسی و آخوان‌المسلمین را دنبال می‌کنند تا القا کنند که این افراد تروریست هستند و کار خود را با ترور پیش می‌برند.

■ **پس می‌توانیم بگوییم هدف ساخت فیلم مقابله با اسلام**

تخیل به جای تاریخ

سربال «حشاشین» چه پیامی برای مسلمانان دارد؟



در همین زمان هم آدم‌های خود را می‌فرستد و خواجه نظام‌الملک را ترور می‌کنند و نخستین کشتار مهمی که حسن صباح انجام می‌دهد همین بوده است.
■ **دلیل ترور نظام‌الملک و دیگر افراد چه بود؟ آیا واقعا اسماعیلیون به هر کس که می‌رسیدند، او را می‌کشتند؟ به نظر می‌رسد در این بخش هم تحریف تاریخ را شاهد هستیم.**

بله! همین‌طور است. خواجه نظام‌الملک نویسنده «سیاست‌نامه» است، سیاست‌نامه حدود سال ۴۵۰ نوشته می‌شود، یعنی زمانی که حسن صباح متولد شده است. خواجه نظام‌الملک در این کتاب بسیار علیه اسماعیلیه و فاطمیان حرف زده و عنوان کرده است هر جا آنها را پیدا کنیم، دستگیر کرده و می‌کشیم، لذا هنوز مساله حسن صباح مطرح نشده که خواجه نظام‌الملک شمشیر خود را کشیده است اما در این فیلم نشان می‌دهد خواجه نظام‌الملک به عهد خود وفا کرد اما حسن صباح به عهد خود وفا نکرد و کلاه بر سر خواجه نظام‌الملک گذاشت و بعدها چون به عهد خود وفا نکرد، خواجه نظام‌الملک علیه او شد و به جنگ با قلعه الصوت رفت. همه این موارد داستان‌هایی است که نویسنده برای خود نوشته و با تاریخ مطابقت ندارد.

حتی درباره ترور صلیبی‌ها هم تحریف انجام شده است؛ سال ۴۸۵ است که خواجه نظام‌الملک کشته می‌شود و جنگ‌های صلیبی تازه از سال ۴۹۰ شروع می‌شود. زمانی جنگ‌های صلیبی شروع می‌شود که خواجه نظام‌الملک نیست و قلعه الموت تسخیر شده است. یعنی پیش از این حوادث است که صلیبی‌ها وارد درگیری در فلسطین می‌شوند. ۱۰۰ سال بعد از این موضوع، «شیخ الجبل» یا «ارشاد الدین سنان» که رئیس قلعه صیصاف سوریه است، چند فرمانده صلیبی را می‌کشد. آنجا سرورصدا به پا می‌شود که این افراد از کجا می‌آیند و با چه روشی دست به این اقدام می‌زنند. روش کار به این صورت بوده است که این افراد نخست نگهدارنده مجموعه می‌شدند و بعد به فرمانده نزدیک می‌شدند و بعد آن را به قتل می‌رساندند. لذا ۳ تا ۵ سال طول می‌کشید که یک نفر می‌توانست یک فرمانده صلیبی را به قتل برساند. ماجرای صلیبیون برای سال‌های ۶۰۰

به بعد است و نه برای سال‌های ۵۰۰ که حسن صباح در قلعه الموت است. لذا یکصد سال بعد که شیخ الجبل این اقدامات را انجام می‌دهد و صلیبی‌ها حذب می‌زنند که به این افراد حشیش داده شده است و حشیش هوشیاری را از آنها می‌گیرد و حضور این فدایی‌ها در مکان‌هایی که دختران هستند (که همین در فیلم نشان داده شده) نوعی بهشت برای آنها تداعی می‌شود؛ بعد به فدایی‌ها می‌گویند شرط بازگشت به این بهشت قتل فلان فرمانده است. اینجاست که افسانه حشاشین آغاز می‌شود؛ در حالی که هیچ حشیشی در کار نبود و این افراد از روی اعتقاد این کارها را انجام می‌دادند و به رهبر خود اعتماد داشتند. اکنون نیز در طیف‌های مختلف این دست اقدامات انجام می‌شود، لذا فیلم فقط خواسته به نوعی اسماعیلیه را به شکل شیطان جلوه دهد و بگوید این جریان به هیچ چیز اعتقاد نداشته و آدم‌کش است. همچنین در جایی از فیلم نشان داده می‌شود این افراد یک سال با موزن اصفهان رفیق بوده‌اند و بعد چون موزن تفکر اسماعیلیه را نپذیرفت، او را به قتل رساندند.

اما ما این مساله را در تاریخ نداریم و اسماعیلیه کسانی را کشته است که اصطلاحا آدم‌های کله‌گنده‌ای بودند. دلیل این ترورها هم این بوده است که این افراد چون علیه اسماعیلیه اقدام می‌کردند، آنها را به قتل می‌رساندند. از جمله کسانی که کشته‌اند خواجه نظام‌الملک بوده که علیه اسماعیلیه فعالیت کرده است. در اسناد همچنین قصد ترور «بی‌حامد محمد بن محمد الغزالی الشافعی» معروف به امام محمد غزالی ذکر شده است؛ با اینکه غزالی علیه اسماعیلیه کتاب «فضائح الباطنیه» را نوشت و به‌شدت اندازه شکوه داشته باشد. اتفاقا دوره مستنصر که ۶۰ سال بر مصر حکومت کرد دوره رشد و آبادانی بوده است. شاید در این دوره سال‌هایی هم فحطی بوده است اما اغلب از دوره مستنصر به عنوان دوره شکوه فاطمیان یاد می‌شود و بعد از آن است که از شکوه مصر کاسته می‌شود. در دوره مستنصر قدرت و اقتدار حکومت فاطمیان گسترده بوده است و شام، عربستان و کل شمال آفریقا در اختیار آنها بوده است. در هیچ زمانی نبوده است حکومت مصر به این اندازه شکوه داشته باشد.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

وطن‌امروز | شماره ۴۰۳۷

گفت‌وگو

■ **شاید این سوال برای مخاطب ایرانی پیش‌آید که حسن صباح به عنوان یک فرد ایرانی چقدر جاه‌طلب بوده است. می‌بینیم این سربال برآمده از نوعی جاه‌طلبی است که به حسن صباح نسبت داده شده است. او از کودکی از سوی عده‌ای محافظت می‌شود و حتی هنگام بحران‌ها، چهره‌های شیطانی به او کمک می‌کنند. در ادامه این مسیر، حسن صباح از اینکه او را امام می‌خوانند ناراحت نمی‌شود؛ این مساله چطور در تاریخ پیش می‌رود؟**

قطعاً اسلام سیاسی ۴ شخصیت بزرگ دارد که یکی خود را نایب امام هم نمی‌دانست و معتقد نبود که با امام خود در ارتباط است. او خود را داعی می‌دانست و معتقد بود از آنجا که حق نزار را نداده‌اند باید مردم را به امامت نزار و پسرش که در غیبت است دعوت کند. لذا همان‌طور که گفتیم این فیلم «افسانه حسن صباح» است. فیلم می‌خواهد غیرمستقیم انقلاب اسلامی را بزند و شخصیت‌های بزرگ انقلاب را تخریب کند.

■ **موضوع فیلم به هم ارتباط پیدا می‌کند؟**

قطعاً اسلام سیاسی ۴ شخصیت بزرگ دارد که یکی شیعه و ۳ نفر آنها سنی هستند. نخست امام خمینی (ره) است که انقلاب اسلامی را تاسیس کرد. یکی حسن البنا است که آخوان‌المسلمین را تاسیس کرد. یکی «سید قطب» است که جریان خاصی در دل

آخوان‌المسلمین ایجاد کرد. یکی دیگر هم «ابوالاعلی مودودی» است که در پاکستان حزب جماعت اسلامی را تاسیس کرد. این ۴ نفر رهبر بزرگ اسلام سیاسی هستند. لذا این فیلم اسلام سیاسی را می‌زند که بخشی از آن همچه به حسن البنا است و بخشی دیگر همچه به سیدقطب و بخشی به امام خمینی و بخشی هم ابوالاعلی مودودی. فیلم می‌خواهد به صورت مستقیم و غیرمستقیم این جریان را که در برابر اسلام سکولار ایستاده است مورد حمله قرار دهد. چون این جریان است که در قالب‌های مختلف در فرم‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حماس، حوثی‌های یمن، تشکیلات سوریه و... در برابر استکبار ایستاده است.

■ **گاهی این انتقاد به ما وارد می‌شود که تولید چنین سربال‌هایی به این دلیل است که ما به سمت روایت این چهره‌ها نرفته‌ایم، لذا دیگران خط روایت را در پیش گرفته‌اند. آیا ما باید حسن صباح را روایت می‌کردیم؟**

خیر! حسن صباح، اسماعیلی مذهب بوده است و لذا ما هیچ دلیلی نداریم که بخواهیم آن را روایت کنیم. ما آنقدر انسان‌های تاثیرگذار در دل تاریخ تشیع داریم که بخواهیم آنها را روایت کنیم. از این جهت روایت ما باید به سمت کسانی برود که آنها را قبول داریم. نکته مهمی که اینجا وجود دارد این است که این روایت انجام‌شده هم منطبق با تاریخ نیست. پیشنهاد ما این است که اسماعیلیان جهان و از بین آنها «نزاریان آقاخان» که است و آقاخان هم رهبر نزاریان جهان است) وظیفه دارند با هر فرم رسانه‌ای که می‌خواهند چهره رهبر خود را تطهیر کنند و روایت درستی از حسن صباح به جهان ارائه کنند.

آنچه ما از تاریخ می‌دانیم این است که روایت حسن صباح با آنچه در این سربال نشان داده می‌شود متفاوت است. جدا از مشکلاتی که با عقاید این گروه داریم، مساله رفتار ترور حسن صباح است که ما آن را قبول نداریم. اسام خمینی هیچ‌گاه ترور را تایید نکرد و هیچ‌گاه اجازه نداد از آن استفاده شود. مقام معظم رهبری نیز به همین صورت بوده است. لذا از این جهت ما نیز منتقد حسن صباح هستیم. این فیلم افسانه حسن صباح است و نه تاریخ حسن صباح.

■ **حسن صباح، اسماعیلی مذهب بوده است و لذا ما هیچ دلیلی نداریم که بخواهیم آن را روایت کنیم. ما آنقدر انسان‌های تاثیرگذار در دل تاریخ تشیع داریم که بخواهیم آنها را روایت کنیم. از این جهت روایت ما باید به سمت کسانی برود که آنها را قبول داریم. نکته مهمی که اینجا وجود دارد این است که این روایت انجام‌شده هم منطبق با تاریخ نیست. پیشنهاد ما این است که اسماعیلیان جهان و از بین آنها «نزاریان آقاخان» چهره رهبر خود را تطهیر کنند**